

## تأثیر وراثت بر بزهکاری در آموزه های اسلام

شهلا کریمی<sup>۱</sup>، مصطفی کریمی پور<sup>۲</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با اتکا به منابع قرآن، روایات معصومین علیهم السلام و نظریات جرم شناسان غربی باهدف تبیین موضع اسلام در قالب تأثیر ژنتیک و محیط بر رفتار مجرمانه و پاسخ به این پرسش که آیا اسلام وراثت را عامل قطعی بزهکاری می داند یا نه، انجام شده است. یافته ها نشان می دهد که دیدگاه های جرم شناسی غربی در سه دسته اصلی قرار می گیرند: مکتب تحقیقی (تأثیر قطعی وراثت)، مکتب محیط گرا (نقش یادگیری اجتماعی) و دیدگاه معتدل (ترکیب هردو عامل). در مقابل، اسلام با استناد به آیات و روایات، وراثت را در قالب یکی از عوامل مؤثر در شکل گیری شخصیت می پذیرد، اما آن را مطلق و جبری نمی داند و بر تعامل وراثت و محیط و نقش اختیار انسان تأکید می کند. در نتیجه، آموزه های اسلامی با دیدگاهی متوازن، هم سو با پیشرفت های علمی امروز در حوزه ژنتیک و جرم شناسی هستند.

**واژگان کلیدی:** قرآن، روایات، وراثت، بزه، ژنتیک.

### ۱. مقدمه

جرم، عملی متشکل از عوامل متعدد وراثتی و محیطی است. عوامل ارثی هستند که از راه وراثت و ژنتیک از والدین به فرزندان منتقل می شوند مانند نقص ژنتیکی و انواع بیماری های جسمی و روحی. و عوامل محیطی، عواملی هستند که خارج از ساختار جسمی و ویژگی های شخصیتی فرد قرار دارند و شامل عوامل متعدد زیستی، فرهنگی، اقتصادی و

---

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی

العالمیه، قم، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

اجتماعی می‌شوند. برقراری امنیت در هر جامعه برای ثبات و حیات آن جامعه ضروری است و این خواسته بدون شناسایی عوامل جرم‌زا میسر نمی‌شود. یکی از عوامل تأثیرگذار در بزهکاری، وراثت است؛ یعنی خصوصیات و ویژگی‌های جسمانی و روانی والدین به فرزندان منتقل می‌شود. برخی جرم‌شناسان، مانند لومبروزو، تا بدانجا به این مسئله اهمیت داده‌اند که وراثت را علت اصلی مجرمیت می‌دانند و بقیه عوامل را بی‌تأثیر می‌شمارند. به همین دلیل نظریه مجرمین مادرزاد را مطرح کردند. نظریات متعددی که در آن زمان مطرح شد بدون درنظر گرفتن تأثیر مذهب و آموزه‌های دینی بود. این نظریات در سه دیدگاه مهم عوامل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تقسیم‌بندی شد.

درمقابل این نظریه‌پردازان، بسیاری از دانشمندان جرم‌شناسی معتقد هستند که انسان به طور ذاتی، تمایل به نیکی دارد و دسته‌ای دیگر از نظریه‌پردازان مانند هیوم بر این باورند که ذهن و نفس انسان هنگام تولد مانند لوح سفیدی است که چیزی در آن نیست و فضایل و رذایل را بعدها توسط تجربیات و حواس پنج‌گانه کسب می‌کند. این دسته، نقش وراثت را در شکل‌گیری شخصیت و عملکرد انسان به کل نادیده می‌گیرند و بزهکاری فرد را تنها اثر عوامل اجتماعی، محیطی و فرهنگی می‌دانند. دین اسلام نیز در آموزه‌های خود مانند قرآن و احادیثی که از ائمه وارد شده است، بیان می‌کند که وراثت بر فرزندان و نسل بشر تأثیر دارد و باعث انتقال صفات و ویژگی‌های ظاهری از جمله رنگ پوست، مو، قد یا بیماری‌های جسمی و روانی است. مقاله حاضر درصدد بررسی این مطلب هست که آیا اسلام هم با جرم‌شناسان غربی هم‌نظر و هم‌سوست یا نظر خاص خود را دارد. آیا نظریه افرادی مثل سزار لومبروزو را که قائل به تأثیر قطعی وراثت در بزهکاری هستند کامل می‌پذیرد یا خیر. به طور کلی، نظر اسلام در مورد تأثیر وراثت در بزهکار شدن افراد چیست؟

## ۲. مفهوم‌شناسی

### ۲-۱. ژن

ژن، کوچک‌ترین واحد شیمیایی اطلاعات ارثی است که به تعداد بی‌شمار درون میلیاردها سلول تشکیل‌دهنده بدن وجود دارد. (موسوی، داوران و ستوده، ۱۳۹۸، ص ۳۰۱) ژن‌ها روی کروموزوم‌ها و در درون سلول‌ها قرار دارند و حاوی ماده ژنتیکی هستند که مسئول انتقال صفات والدین به فرزندان است. ژن‌ها ویژگی‌های مشترکی دارند از جمله اینکه همگی آنها به صورت جفت وجود دارند و در صورت فقدان عوامل آسیب‌زا می‌توانند میلیون‌ها سال و شاید میلیاردها سال با همان ویژگی‌های اولیه باقی بمانند (موسوی، داوران، ستوده، ۱۳۹۸، ص ۳۰۲).

### ۲-۲. ژنتیک

دانش زیست‌شناسی نوین به معنای آفریدن یا آفرینش‌شناسی، بخشی از دانش زیست‌شناسی است که به وراثت و تفاوت‌های جانداران می‌پردازد. دانش ژن‌شناسی، انتقال داده‌های زیستی از یک یاخته به یاخته‌ای دیگر یا از پدر و مادر به نوزاد و نسل‌های آینده تعریف می‌شود. درحقیقت، علم ژنتیک یکی از شاخه‌های علوم زیستی است که به وسیله قوانین و مفاهیم موجود در این علم می‌توان به تشابه یا عدم تشابه دو موجود نسبت به یکدیگر پی‌برد و دانست که چطور و چرا چنین تشابه یا عدم تشابهی در داخل یک جامعه گیاهی یا جامعه جانوری به وجود آمده است. علم ژنتیک، علم انتقال اطلاعات بیولوژیکی از یک سلول به سلول دیگر، از والد به نوزاد و بنابراین از یک نسل به نسل بعد است. (موسوی، داوران و ستوده، ۱۳۹۸، ص ۳۰۴)

### ۲-۳. تعریف ژن در آموزه‌های اسلام

در این زمینه، عن ابی‌عبدالله علیه السلام قال: «سئل عن المیت یلی جسده؟ قال: نعم، حتی لا یبقی لحم ولا عظم إلا طینته التی خلق منها، فإنها لا تبلی، تبقی فی القبر مستدیره حتی یخلق منها کما خلق أول مره؛ از امام صادق علیه السلام درباره میت چنین پرسیده شد که آیا جسد میت

می‌پوسد. حضرت فرمود: بله، به گونه‌ای که گوشت و استخوانی برایش باقی نمی‌ماند، مگر سرشتی که از آن آفریده شده است؛ زیرا آن نمی‌پوسد و در قبر باقی می‌ماند و در حال تحول است تا دوباره فرد از آن آفریده شود، همان‌طور که اولین بار آفریده شده بود». (مجلسی، ۱۴۰۳، ۴۳/۷) علامه مجلسی در توضیح این روایت می‌گوید: «آن هسته مرکزی دارای تحول و تغییر می‌گردد، ولی در همه احوال محفوظ باقی می‌ماند. این روایت اثبات می‌کند که تشخص انسان به واسطه اجزای اصلی اوست و دیگر اجزا و عوارض دخالتی در آن ندارند».

#### ۲-۴. بزه

براساس ماده ۲ قانون مجازات اسلامی، بزه و جرم عبارت است از: «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است». هر عملی که در جامعه قوانین را نقض کند و مجازات در پی داشته باشد بزه نامیده می‌شود. (مرتضوی، ۱۳۹۹، ص ۶۴۷) امیل دورکیم در تعریف جرم می‌گوید: «هر عملی که جنبه‌های قومی و وجدان جمعی را به طور مشخصی جریحه‌دار کند و برخی احساسات جمع را که از پاکی و صفای خاص برخوردار است مورد اهانت قرار دهد و به عواطفی که در همه وجدان‌های سالم اجتماعی وجود دارد لطمه بزند جرم به شمار می‌آید» (مظلومان، ۱۳۵۳، ص ۷).

#### ۲-۵. بزه‌کار

واژه‌ای حقوقی است و در فرهنگ اصطلاحات جزایی آن را به معنی مجرم و کسی که مرتکب جرم می‌شود، معنی کرده‌اند. (شاملو احمدی، ۱۳۸۰، ص ۹۷)

#### ۲-۶. بزهکاری

در لغت به معنای عصیان، گناهکاری، خطاکاری و نظایر آن آمده است. (دهخدا، ۱۳۱۰، ۱۰/۱۰۵۰) مفهومی است جزایی و به عملی اطلاق می‌شود که قانون آن را مجرمانه می‌داند (نجفی توانا، ۱۳۹۸، ص ۱۷). بزهکاری مجموعه‌ای از جرایمی است که در یک زمان و مکان معین به وقوع می‌پیوندد (مرتضوی، ۱۳۹۹، ص ۶۴۷). در تعریف دیگری آمده است: «بزهکاری

وضع یا حالتی است که شخص تخطی‌کننده از الزامات قانون خود را با آن مواجه می‌یابد» (باقرپسندی، ۱۳۹۱، ص ۱۳).

## ۲-۷. وراثت

در لغت به معنای میراث گرفتن، ارث بردن، منتقل شدن مالی از کسی به دیگری بدون خریدن و مانند آن آمده است. (دهخدا، ۱۳۱۰، ۱۵۱/۴۹) در کتب فقهی - حقوقی، وراثت و ارث و میراث بیشتر در قالب سهم الارث و امور مالی مطرح است، ولی برخی علما وراثت را انتقال یافتن صفات و خصوصیات از یک نسل از موجود زنده به نسل دیگر می‌دانند، خواه این صفات و خصوصیات مختص آن نسل باشد و خواه مشترک میان تمام افراد آن نوع یا بخشی از آنها باشد (حسینی پاسندی و ارجمندیان، ۱۴۰۲، ص ۳). امروزه واژه وراثت در علم جرم‌شناسی بیشتر مرادف کلمه ژنتیک استفاده می‌شود. وراثت یک فرآیند زیستی است که طی آن والدین ژن‌های خود را به طور مستقیم به فرزندان خود انتقال می‌دهند. وراثت همچنین به معنای شرایطی است که سبب می‌شود ویژگی‌های جسمانی، روحی و رفتاری از پدر و مادر به فرزندان انتقال یابد (علیمردانی، متولی‌زاده و واحدی، ۱۳۹۴، ص ۲۰).

وراثت نقش مهمی در تشکیل شخصیت انسان دارد و در واقع مواد خام شخصیت مانند خلق و خو، هوش، جثه و سایر استعدادها را تشکیل می‌دهد، ولی محیط می‌تواند توانایی‌های انسان را توسعه دهد یا محدود کند. اگرچه شخصیت حالت به نسبت باثباتی دارد، اما بسیاری از انسان‌ها در واکنش به رویدادهای زندگی انعطاف‌پذیر بوده و با یادگیری روش‌های جدید برای مقابله موفقیت‌آمیز با الزامات زندگی، شخصیتشان توسعه پیدا کرده و متحول می‌شود. برخی از انسان‌ها در مقابل چالش‌های زندگی، شخصیت غیرقابل انعطاف دارند و به ندرت سراغ فراگیری روش‌های جدید می‌روند. این موضوع سبب دردهای زیادی برای چنین اشخاصی می‌شود و رابطه آنها با دیگران را نیز مختل می‌کند. افراد خشک و انعطاف‌ناپذیر نه تنها برای خود که در زندگی دیگران نیز مشکل‌آفرین هستند و به طور دائم خود و دیگران به ویژه اطرافیان و نزدیکانشان را از نظر روحی و روانی رنج می‌دهند. این گونه خصوصیات در

افرادی که مبتلا به اختلال شخصیت هستند، مشاهده می شود. (محمدی، ۱۴۰۰، ص ۵۰) این نمونه ای از مشکلات و بیماری های روحی است که می تواند به فرزندان به ارث برسد و زمینه ساز بروز بزهکاری در آنها شود (عباسی، ۱۳۹۴، ص ۱۰۷).

## ۲-۸. وراثت و ارتکاب جرم ازمنظر جرم شناسان

اعتقاد به تأثیر وراثت بر بزهکاری از دوره های دور مطرح بوده است، اما در قرن نوزدهم به ویژه توسط لومبروزو به اوج خود می رسد. افراد دیگری نیز مانند تامسون در عصر وی بودند که نگاه افراطی به تأثیر وراثت در ارتکاب جرم داشتند. تامسون در سال ۱۸۷۱ کتاب وراثت جرم را منتشر کرد و معتقد بود که جرم، محصول معیوب وراثت است. لومبروزو که بعدها پدر علم جرم شناسی لقب گرفت طلایه دار ورود اصطلاح وراثت به حوزه جرم شناسی است. وی که متخصص پزشکی قانونی در ایتالیا بود با مطالعه و کالبدشکافی ۳۰۰ مجرم معدوم، بررسی شکل ظاهری ۱۰۰۰ محکوم به حبس، ۳۸۳۰ مجرمه بزهکاران ایتالیایی و بررسی بسیاری از زندانیان و بیماران بستری، سرانجام به این نتیجه رسید که مجرمین از نظر جسمی و عدم تناسب اندام ها به یکدیگر شباهت دارند. (محمدی، ۱۴۰۰) به نظر او، انسان مجرم از بدو تولد مجرم زاده می شود نه اینکه بعدها مجرم شود. وی برخی اوصاف مشترک این دسته افراد را سفاکی، فقدان عواطف لطیف، حرکات غیرعادی و خشونت، عدم توازن برخی اعضای بدن مانند نابهنجاری دندان ها، صورت نامتقارن، گوش های بزرگ، انگشت های اضافی دست و پا و نارسایی های چشمی برشمرده است (محمدی، ۱۴۰۰).

## ۲-۹. نگاه تفریطی به تأثیر وراثت

برخی دیدگاه ها و نظریات، هیچ نقشی برای عوامل وراثتی در ارتکاب جرم قائل نیستند و بزهکاری را فقط ناشی از عوامل محیطی و شرایط بیرونی می دانند که به برخی از آنها اشاره می شود.

## ۲-۹-۱. نظریه زیست‌بوم‌شناسی جرم

دانشمندانی مانند کلیفورد شاو و هانری مک‌کی از جامعه‌شناسان این نظریه هستند که دیدگاه خود را براساس قوانین حاکم بر زیست‌بوم گیاهی و جانوری شکل دادند. آنها شهر شیکاگو را به‌شکل مربع تقسیم کرده و توجه خود را به مناطق و محله‌های جرم‌خیز متمرکز کردند. در نتیجه متوجه شدند که محل زندگی بزهکاران بر مجرمیت آنها تأثیر زیادی دارد؛ زیرا شامل وضعیت فیزیکی محیط، وضعیت اقتصادی و ترکیب جمعیتی آن مناطق می‌شود. علاوه بر این، مقصود از زیست‌بوم فقط اوضاع و احوال جغرافیایی حاکم بر محیط زیست انسانی نیست، بلکه بیشتر اوضاع و احوال اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی حاکم بر محیط زیستی است که قانون‌گرایی یا قانون‌ستیزی افراد ساکن در این محیط جغرافیایی، آن اوضاع و شرایط را به‌وجود آورده است. (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۹۵)

## ۲-۹-۲. نظریه تقلید تارد

یکی دیگر از افرادی که نقش وراثت را در بزهکاری به‌کل نادیده می‌گرفت گابریل تارد، قاضی عالی‌رتبه فرانسه بود که معتقد بود جرم، رفتار نابهنجاری است که با یادگیری به‌وجود می‌آید. استدلال او این بود که مجرمان بیش از هرچیز مردمانی عادی هستند که به‌واسطه تولد در فضایی پرورش یافته‌اند که جرم را در قالب شیوه زندگی فرامی‌گیرند. از نظر او مواردی مانند معاشرت بیشتر، تقلید فرودستان از فرادستان، جایگزینی مدهای قدیم و جدید، بیشترین اثر را در تقلید بزهکاری دارد. (محمدی، ۱۴۰۰)

## ۲-۹-۳. نظریه معاشرت ترجیحی

ساترلند از دیگر افرادی است که معتقد است که بزهکاری بیشتر از راه معاشرت و هم‌نشینی با اشخاص دیگر، به‌ویژه دوستان، خانواده و افراد نزدیک آموخته می‌شود و بزهکاری مربوط به ذات انسان یا مادرزادی نیست؛ بنابراین، وراثت را انکار می‌کند. نکته اصلی نظریه ساترلند این است که به اعتقاد وی، افراد به این دلیل کج‌رفتار می‌شوند که تعداد ارتباط‌های انحرافی آنها بیش از ارتباط‌های غیرانحرافی‌شان است. دلیل اصلی کج‌رفتاری آنها تفاوت تعاملشان با

کسانی است که ایده‌های کج‌رفتارانه دارند؛ یعنی ارتباط بیشتر آنها با کج‌رفتاران یا ایده‌های کج‌رفتاری است. (کرمی، ۱۴۰۱) در راستای این نظریه می‌توان چنین استنتاج کرد که استمرار ارتکاب جرم و اصرار بر آن در قالب تکرار یا تعدد جرم، نتیجه معاشرت مستمر با بزهکاران و غلبه کامل تعاریف مجرمانه از رفتارهای پذیرفته‌شده گروه و اجتماعی شدن مجرمانه است (کرمی، ۱۴۰۱، ص ۱۳۵).

## ۲-۹-۴. نظریه برچسب‌زنی

این نظریه نیز علل جرم را در عوامل اجتماعی و برچسب مجرمانه زدن به فرد می‌داند. طرفداران این نظریه معتقد هستند که برچسب زدن به افرادی که مورد اتهام واقع شده و یا خطایی مرتکب شده‌اند به صلاح نیست و بلکه بیشتر موجب کج‌روی افراد برچسب‌خورده می‌شود. در این نظریه، انحراف و اشتباه اولی ممکن است به هر دلیلی اتفاق بیفتد، ولی انحرافات بعدی محصول انگ و برچسبی است که جامعه بعد از انحراف اولی به فرد می‌زند. (صلاحی، ۱۴۰۲، ص ۱۲۹) این برچسب زدن موجب می‌شود فرد بعد از انجام انحراف و خطای اول، به دلیل بزهکار خوانده شدن از سمت نزدیکان و جامعه، به خود اجازه انجام انحرافات و بزه‌های بعدی را بدهد و خود نیز برچسب مجرمیت را قبول کند. این نظریه نیز نقش عامل وراثت را در انحرافات نادیده می‌گیرد و فقط به عوامل اجتماعی توجه می‌کند. سزار بکاریا از بنیان‌گذاران مکتب فایده اجتماعی بر اصل آزادی اراده و اختیار انسان در ارتکاب جرم و مسئولیت اخلاقی بزهکار و بی‌تأثیری عوامل محیطی بر این اراده تأکید دارد. او مجرم را در ارتکاب جرم آزاد می‌داند و عوامل محیطی را اثرگذار نمی‌داند. اگرچه به‌طور مشخص از عوامل ارثی سخن نگفته است، ولی از آنجاکه مجرم را به دلیل مختار بودنش از نظر اخلاقی مسئول می‌داند، معلوم می‌شود که عوامل دیگری مانند عوامل ارثی و ژنتیکی را نیز اثرگذار نمی‌داند (محمدی، ۱۴۰۰).



### ۳. نگاه صحیح به تأثیر وراثت بر بزهکاری

واژه زن و ژنتیک به دلیل پیشرفت‌های علمی انسان‌ها در قرون اخیر وضع شده است. در گذشته از این کلمات استفاده نمی‌شد، اما در روایات، واژه‌های مشابهی استفاده شده که معادل همین واژگان است. از منظور و مفهوم روایت می‌توان تأثیر وراثت بر بزهکاری را استنباط کرد.

- امام صادق علیه السلام فرمود: «تزوجوا فی الحجر الصالح فإن العرق دساس؛ از خاندان صالح همسر بگیرید؛ زیرا عرق (ریشه و نژاد) پنهانی تأثیرگذار است». (محمدی، ۱۴۰۰)

- امام علی علیه السلام می‌فرماید: «حسن الأخلاق برهان کرم الأعراق؛ اخلاق نیکو، دلیل و نشانه گرامی بودن ریشه‌ها (ژن‌ها) است». (محمدی، ۱۴۰۰)

- در روایتی دیگر از امام علی علیه السلام آمده است: «إذا کرم أصل الرجل کرم مغیبه و محضره؛ هرگاه اصل و ریشه مرد از نظر خانوادگی و ژنتیکی گرامی باشد در غیاب و حضور، گرامی است». (محمدی، ۱۴۰۰)

- امام صادق علیه السلام فرمود: «الشجاعة فی أهل خراسان و الباه فی أهل بربر و السخاء و الحسد فی العرب. فتخیروا لنطفکم؛ دلیری در خراسانی‌هاست و غریزه جنسی بسیار در سودانی‌ها و رشک و حسد و جود و کرم در اعراب، پس توجه کنید برای داشتن فرزندان چه ظروفی (والدینی) را انتخاب می‌کنید». (محمدی، ۱۴۰۰)

روایت امام صادق علیه السلام شاید در ابتدا و ظاهر امر نشان‌دهنده تفاوت ویژگی‌های افراد از نظر جغرافیایی باشد، اما با دقت بیشتر به انتهای روایت، این مطلب قابل برداشت است که اوصافی که بیان شد به طور مستقیم بر فرزندان شما اثر دارد و قابل انتقال است. برای مثال، حسادت که به ارث برسد در جایی که عوامل محیطی هم مزید بر علت شود، ممکن است شخص را به ارتکاب جرم برساند.

دیدگاه اسلام در این مسئله، دیدگاه «امر بین امرین» است که پیشگامان آن ائمه علیهم السلام هستند و از سوی حکما و متکلمین امامیه پذیرفته شده است. از نظر اسلام، انسان در افعال و

رفتار خود نه مجبور به اراده تکوینی الهی است و نه بی نیاز از قدرت پروردگار؛ یعنی با اراده آزادی که خداوند به انسان بخشیده و با استفاده از قدرت و حیاتی که از جانب خداوند به وی افاضه می شود، می تواند زندگی کند و براساس اراده خود، کارهایش را انجام دهد به گونه ای که اگر لحظه و آنی به خود واگذار شود و فیض الهی از او گرفته شود نه تنها قدرت و حیات خود را ازدست می دهد، بلکه وجود و هستی خود را نیز ازدست داده و معدوم می شود چنان که در ازل معدوم بوده است. (محمدی، ۱۴۰۰) زن از نظر آموزه های اسلام در تشکیل شخصیت انسان بیشترین تأثیر را دارد و همچنین در آینده او از نظر نیکوکاری یا بزهکاری مؤثر است؛ یعنی پاک بودن یا آلوده بودن زن شخص، هرکدام اثر خاص خود را دارد. اگر زن از نظر وراثت پاک باشد شخص کمتر به سمت بزهکاری می رود. برای مثال، اگر زن از نظر وراثت، ناپاک و آلوده باشد، حتی در صورت فقدان شرایط ارتکاب جرم یا عدم تأثیر عوامل محیطی، شخص تمایل به بزهکاری دارد و مرتکب جرم می شود.

نباید این را نادیده گرفت که اسلام به تأثیر زن در بزهکاری به طور کامل و صددرصد معتقد نیست؛ زیرا انسان مختار آفریده شده و در این زمینه آیات زیادی در قرآن آمده است. از نظر اسلام، انسان در اعمال خود مجبور نیست. در آیاتی از قرآن، کسانی که راه سعادت و شقاوت به آنها نشان داده شده، ولی راه شقاوت را انتخاب می کنند نکوهش و سرزنش شده اند. آیه ۲۹ سوره کهف می فرماید: «فمن شاء فليؤمن و من شاء فليكفر إنا أعتدنا للظالمين نارا أحاط بهم سرادقها؛ پس هرکس بخواهد ایمان بیاورد و هرکس بخواهد کفر بورزد ما برای ستمکاران آتشی آماده کرده ایم». آیات ۳ و ۴ سوره انسان: «إنا هدیناه السبيل إنا شاکرا وإما کفورا؛ ما راه را به او نشان دادیم، خواه سپاسگزار باشد یا ناسپاس»؛ «إنا أعتدنا للکافرين سلاسل وأغلالا وسعيرا؛ ما برای کافران زنجیرها و غل ها و آتش سوزان آماده کرده ایم».

اسلام به تأثیر قطعی شرایط و عوامل محیطی در ارتکاب بزه قائل نیست، آن گونه که منکر وراثت و عوامل ژنتیکی باشد. دیدگاه اسلام دیدگاهی معتدل و میانه است. وراثت و ژنتیک در رشد و تکامل شخصیت انسان تأثیر مهمی دارد و در این زمینه دستورهای فراوانی از مراحل

قبل از تولد فرزند یعنی، انتخاب همسر و اخلاقیات و رفتار وی، مراحل تولد فرزند، تغذیه مادر در هنگام بارداری و... بیان شده است که همگی نشان دهنده اهمیت و تأثیر وراثت بر آینده و شخصیت فرزند است. علاوه بر این موارد، اسلام تأثیر شرایط محیطی، عوامل بیرونی و محل زندگی و معاشرت با اطرافیان و دوستان را در وقوع بزهکاری و مجرمیت شخص مؤثر می‌داند به طوری که حتی معتقد است دوست بد، محیط زندگی یا مشکلات خانوادگی، همگی به تنهایی می‌توانند عامل بزهکاری شخص باشند.

#### ۴. نتیجه‌گیری

در بین جرم‌شناسان غربی، برخی به تأثیر صد درصد وراثت قائل هستند مانند سزار لومبروزو که مجرمین مادرزاد را نام‌گذاری کرد؛ یعنی مجرمین از مادر مجرم زاده می‌شوند و مجرمیت نتیجه وراثت از والدین آنهاست. برخی هم به طور کلی منکر اثر وراثت هستند و معتقدند که شرایط محیطی، معاشرت با دوستان، اتهام و برچسب مجرمانه زدن به شخص یا تضادی که در جامعه بین غنی و فقیر وجود دارد مسبب قطعی مجرمیت یک شخص است. برخی از جرم‌شناسان و مکاتب غربی، نظریه‌ای موافق نظریه اسلام داشته و معتقد هستند که هردو عامل وراثتی و محیطی بر بزهکاری شخص تأثیر دارد. اسلام که کامل‌ترین دین آسمانی است در قرآن و روایات به خوبی به این موضوع اشاره کرده است که وراثت یا عوامل ژنتیکی و محیطی، هردو از علل وقوع بزهکاری در فرد است و هیچ‌کدام بیشتر از ایجاد انگیزه در بزهکاری نقش ندارد و این طور نیست که انسان در ارتکاب بزه مجبور باشد؛ زیرا خداوند اختیار اعمال خوب و بد، هردو را به انسان داده است. آموزه‌های اسلام هم‌سویی بسیاری با علوم و پیشرفت‌های امروزی دارد؛ زیرا علوم جدید نیز امروزه به تأثیر ژن در بزهکاری رسیده است، ولی نظریات و مکاتبی که قائل به تأثیر صد درصد وراثت به تنهایی یا عوامل محیطی به تنهایی بودند را نیز به طور کل رد نمی‌کند؛ زیرا هردو تأثیرگذار هستند و نمی‌توان یکی را به تنهایی عامل بزهکاری صد درصد فرد دانست.

## فهرست منابع

- \* قرآن مجید (۱۳۹۲). الهی قمشه‌ای، مهدی. تهران: انتشارات سرمایه سخن.
۱. باقر پسندی، منصور (۱۳۹۱). نقش محیط خانواده در تکوین بزهکاری. پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی. دانشگاه آزاد اسلامی. تهران.
  ۲. برنجکار، رضا، و خدایاری، علی نقی (۱۳۹۰). انسان‌شناسی اسلامی. تهران: نشر معارف.
  ۳. حاجی ده‌آبادی، محمدعلی (۱۳۹۵). جامعه‌شناسی جنایی. قم: نشر المصطفی.
  ۴. حسینی پاسندی، سید صدرالدین، و ارجمندیان، سید بهاره (۱۴۰۲). وراثت، عامل موثر بر ارتکاب بزه از منظر اسلام و جرم‌شناسی. نهمین کنفرانس بین‌المللی و ملی مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق. دانشگاه تهران.
  ۵. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۱۰). لغت‌نامه دهخدا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
  ۶. رجبی، محمود (۱۴۰۰). انسان‌شناسی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله علیه.
  ۷. زراعت، عباس (۱۳۹۱). درآمدی بر علوم جنایی. تهران: نشر جاودانه.
  ۸. سهرابی‌فر، محمدتقی (۱۳۹۴). چستی انسان در اسلام. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
  ۹. شاملو احمدی، محمدحسین (۱۳۸۰). فرهنگ اصطلاحات و عناوین جزایی. اصفهان: نشر دادیار.
  ۱۰. صلاحی، جاوید (۱۴۰۲). کلیات جرم‌شناسی و تئوری‌های جدید. تهران: نشر مجد.
  ۱۱. عباسی، مجتبی (۱۳۹۴). بزهکاری اطفال. تهران: نشر مجد.
  ۱۲. علیمردانی، آرمین، متولی‌زاده اردکانی، علی، و واحدی، مصطفی (۱۳۹۴). ژنتیک و جرم. تهران: نشر مجد.
  ۱۳. قیاسی، جلال‌الدین، دهقان، حمید، و خسروشاهی، قدرت‌الله (۱۳۹۱). حقوق جزای عمومی. قم: انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
  ۱۴. کرمی، علیرضا (۱۴۰۱). تحلیلی بر بزهکاری اطفال و نوجوانان در پرتو نظریه معاشرت ترجیحی و تعامل نمادین. مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، ۵ (۵۲)، ۱۳۳-۱۴۶.
  ۱۵. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ه. ق). بحارالانوار. تهران: نشر مؤسسه الوفاء.
  ۱۶. محمدی، محمدعلی (۱۴۰۰). تأثیر وراثت بر بزهکاری از منظر آموزه‌های اسلامی. پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی. مؤسسه آموزش عالی علوم انسانی. قم.
  ۱۷. مرتضوی، سید فاطمه (۱۳۹۹). ریشه‌یابی علل بزهکاری از منظر فقه و حقوق اسلامی. فصلنامه بین‌المللی قانون یار، ۴ (۱۴)، ۶۴۵-۶۴۲.
  ۱۸. مظلومان، رضا (۱۳۵۳). جامعه‌شناسی کیفری. تهران: دانشگاه تهران.
  ۱۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۷). اخلاق در قرآن. قم: نشر امام علی بن ابی‌طالب.
  ۲۰. موسوی، سید محمود، داوران، مریم، و ستوده، آزاده (۱۳۹۹). نقش و جایگاه وراثت و ژنتیک (زیست‌شناسی جنایی) در ارتکاب جرم از منظر جرم‌شناسی نوین و آموزه‌های دینی. فصلنامه بین‌المللی قانون یار، ۴ (۱۳)، ۲۸۳-۳۳۲.
  ۲۱. نجفی‌توانا، علی (۱۳۹۸). ناهنجاری و بزهکاری کودکان و نوجوانان. تهران: نشر میزان.